

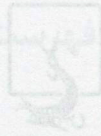
این کتاب ترجمه شده است از

Zur Metaphysik der Erkenntnistheorie
Erst Gedruckt in 1883
Theodor W. Adorno

© Suhrkamp Verlag Frankfurt am Main 1970.
All rights reserved. No part of this book may be reproduced without the written permission of Suhrkamp Verlag.

سویها

مطالعه‌ای در فلسفه هگل



تئودور آدورنو

ترجمه محمد مهدی از دیلی، حسام سلامت

یگانه خوبی

چاپ اول
مهر ۱۳۸۱
۷۶۲/

چاپ دوم

چاپ سوم

۸۷۲ - ۵۰۰ - ۷۸۷ - ۱۷۲ - ۵ - ۵

ISBN: 978-600-378-431-2

www.dool.ir



فهرست

۷	مقدمه مترجمان
۱۵	سویه‌ها: مطالعه‌ای در فلسفه هگل
۷۳	ارجاعات آدورنو
۷۵	یادداشت‌های مترجمان
۱۱۳	منابع مترجمان
۱۱۵	واژه‌نامه سه‌زبانه آلمانی-انگلیسی-فارسی
۱۱۹	نمایه

شکله آزاد برلین سخنرانی ایراد کرد که بنا بود به ایجاد و

تعمیر شکل اجتناب داشته باشد. اما موضوعات و مسائلی که

در آن داشت گسترده‌تر از آن بود که بتوان همه را در یک سخنرانی

در همین روز، چنان‌که خود می‌گرفته چیزی جز مضمون اصلی

سخنرانی مطرح نکرد. دیگر مسائل و موضوعات، در همان

فرهنگسازی رادبویی ایراد شد. از آن‌جا که مباحث سخنرانی

در سخنرانی رادبویی هم‌مقایسه هم‌ارتباط داشتند و هیچ‌کس واحد

نماند (Adorno, 1994, xxxvii). آدورنو مضامین این دو را به علاوه

در قالب تک‌نگاری‌ای یا عنوان‌های فلسفه هگل را کرده

مقدمه مترجمان

نجاتِ هگل — و تنها نجات، و نه احیا، است که در خور
اوست — بدین معناست که با فلسفه او آن جایی که
از همه دردناک‌تر است طرف شویم و حقیقت آن را
آن جایی که ناحقیقتش آشکار است بیرون بکشیم.
آدورنو، «محتوای تجربی فلسفه هگل»

تودور آدورنو در ۱۴ نوامبر ۱۹۵۶، به مناسبت صد و بیست و پنجمین سالمرگ
هگل، در دانشگاه آزاد برلین سخنرانی‌ای ایراد کرد که بنا بود به ابعاد و
سویه‌های فکری هگل اختصاص داشته باشد. اما موضوعات و مسائلی که
آدورنو مد نظر داشت گسترده‌تر از آن بود که بتوان همه را در یک سخنرانی
پیش کشید. از همین رو، چنان‌که خود می‌گوید، چیزی جز مضمون اصلی
بحثش را در آن سخنرانی مطرح نکرد. دیگر مسائل و موضوعات، در همان
ایام، در قالب درسگفتاری رادیویی ایراد شد. از آن‌جا که مباحث سخنرانی
دانشگاهی و درسگفتار رادیویی عمیقاً به هم ارتباط داشتند و «یک کل واحد
فهمیده می‌شدند» (Adorno, 1994, xxxii)، آدورنو مضامین این دو را، به علاوه
«اضافاتی مهم»، در قالب تکنگاری‌ای با عنوان «سویه‌های فلسفه هگل»^۱ گرد

1. Aspekte der Hegelschen Philosophie/Aspects of Hegel's Philosophy

و بعضاً مفاهیم به نظر مبهم و تا حدی نارسانا می‌رسید خود را ناگزیر دیدیم به نسخه آلمانی اثر رجوع کنیم. به این منظور از دوستان یگانه خویی خواستیم بخش‌هایی از ترجمه ما را با متن اصلی تطبیق دهد. تطبیق دادن یکی دو پاراگراف همان و پی‌بردن به اختلافات بعضاً اساسی نسخه آلمانی و ترجمه انگلیسی همان. کار تا جایی بالا گرفت که تردید کردیم اساساً بشود به نسخه انگلیسی کتاب اعتماد کرد. برای همین بهتر دیدیم که کل ترجمه‌مان با متن اصلی تطبیق داده شود و همین هم شد. یگانه خویی همه ترجمه را خط به خط خواند و خطاهای راه‌یافته در ترجمه فارسی را، تا جایی که به خطاهای مترجم انگلیسی مربوط می‌شد، تصحیح و در نهایت کل متن را بازبینی کرد.^۱ از این حیث سهم او در نسخه نهایی کار بی‌بیش از ویراستاری بوده است و در واقع باید او را یکی از مترجمان کتاب دانست. در آخر با توجه به همین اصلاحات و لحاظ کردن دیگر ریزه‌کاری‌ها، کل ترجمه مجدداً بازنویسی شد و نسخه حاضر به سرانجام رسید. با این اوصاف هر سه مترجم هر آنچه برای تدقیق ترجمه فارسی از دستشان ساخته بود انجام داده‌اند تا مطمئن شوند که اگر تاجی بر سر ترجمه آثار فلسفی در ایران نمی‌زنند لااقل بوتۀ خار هم بر سرش نگذاشته باشند.

ترجمه جستار آدورنو در ابتدا ادامه پروژه هگل‌پژوهی مان بود، اما خیلی زود چهره عوض کرد و به کسوت کندوکاو در آرای خود آدورنو و خویش انتقادی او از هگل درآمد. اگر در ابتدا هدفمان این بود که هگل را از رهگذر آدورنو بخوانیم، در ادامه کار خود را ناگزیر یافتیم که آدورنو را به میانجی هگل بفهمیم. به تعبیر روشن‌تر، در این جا مسئله بیشتر بر سر

۱. متن انگلیسی ترجمه اولیه ما این کتاب بوده است:

T. W. Adorno (1994). *Hegel: Three Studies*, Translated by Shierry Weber Nicholsen. MIT Press.

نسخه آلمانی اثر:

T. W. Adorno (1990). *Gesammelte Schriften Band 5*. Suhrkamp Verlag.

هم آورد. کتاب حاضر در واقع ترجمه همین تکنوگاری است که خود، یک بار، ذیل همین عنوان مستقلاً در سال ۱۹۵۷ از سوی انتشارات زورکامپ منتشر شد. آدورنو چند سال بعد، «سویه‌های فلسفه هگل» را در کنار دو جستار دیگر، که مستقیماً به هگل مربوط می‌شد، یکی «محتوای تجربی فلسفه هگل»^۱ (۱۹۵۸) که نسخه بسط‌یافته سخنرانی‌اش در انجمن آلمانی هگل بود، و دیگری، «اسکوئینوس»^۲ یا چگونه هگل بخوانیم» (۱۹۶۲-۱۹۶۳)، در کسوت کتابی مستقل، سه مطالعه در باب هگل،^۳ در سال ۱۹۶۳ منتشر کرد.

ترجمه فارسی «سویه‌های فلسفه هگل» نخست از روی تنها نسخه انگلیسی موجود انجام گرفت. ما در ابتدا بنای کار را بر اعتماد به نسخه انگلیسی گذاشتیم، چرا که هم مترجم آن، شری وبر نیکولسن،^۴ را به واسطه کارها و ترجمه‌های پیشینش از آدورنو و دیگر متفکران فلسفه متأخر آلمان کم و بیش می‌شناختیم، و هم انتشار کتاب در مجموعه معتبر، شناخته‌شده و پُراجاع تفکر اجتماعی آلمانی،^۵ به سرپرستی توماس مک‌کارتی، که از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا امروز تنوع گسترده‌ای از بنیادی‌ترین آثار معاصر فلسفه و علوم اجتماعی جهان آلمانی‌زبان را به انگلیسی برگردانده است، اعتماد ما را پیشاپیش جلب کرده بود که با ترجمه‌ای بی‌حاشیه سر و کار داریم. به این اعتبار، تنها برای اطمینان از درستی ترجمه خودمان که در برخی جملات

1. Erfahrungsgehalt/The Experiential Content of Hegel's Philosophy

۲. Skoteinos: به معنی تیره، تاریک و مبهم؛ لقبی است که سیسرو به هراکلیتوس، فیلسوف پیشاسقراطی، به سبب مبهم‌نویسی و معماوارگی سبک وی، نسبت داده بود. آدورنو در این جستار که مشخصاً به چگونگی مواجهه با شیوه نوشتاری هگل و دشواری‌های نازدودنی آن مربوط می‌شود کوشیده است، به‌تلویح، نثر هگلی را به میراث هراکلیتی گره بزند. علاوه بر این، فلسفه هگل در بسیاری مضامین همخوانی آشکاری با تفکر هراکلیتوس دارد، از لوگوس‌محوری جهانشمول و هستی‌شناسی مبتنی بر سیلان و شدن گرفته تا هماهنگی اضداد و وحدت-در-عین-تفاوت و تفاوت-در-عین-وحدت. خود هگل نیز در درسگفتارهای تاریخ فلسفه اذعان کرده است که «هیچ جمله‌ای از هراکلیتوس نیست که در منطق خود از آن بهره نگرفته باشم» (Hegel, 1995, 278). غیر از این‌ها، آدورنو در این جستار، «ابهام» هراکلیتی-هگلی را با «وضوح» دکارتی در تقابل می‌گذارد. از این حیث، حضور ضمنی هراکلیتوس در عنوان این جستار بی‌مناسبت نیست.

3. Hegel: Three Studies

4. Shierry Weber Nicholsen

5. German Social Thought